

پرسی انشعاب

در سازمان فدائیان (۱)

در "سازمان چریک های فدائی خلق" انشعابی میان "اکثریت" و "اقلیت" رخ داده است. "اکثریت" برای این عقیده است که "اقلیت" نمی تواند استانداردهای "بینش و نظرات گذشته سازمان" ببرد و تحول این "بینش و نظرات" دست به انشعاب زده اند و به نظریات "اپورتونیسم چپ و آوانتور" رسم انقلابی "دل بسته اند." "اقلیت" برای این عقیده است که مسی غالب بر "اکثریت" (ویا "کمیت مرکزی سازمان") "اپورتونیسم راست" بوده و اساس اختلافات برگردا رزیابی از "ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت" و چگونگی برخورد به آن دور میزند و مساله ربطی به نظرات گذشته فدائیان ندارد. این انشعاب در سازمان فدائیان، اولین انشعاب نیست. قبل از قیام بهمن ۵۷ گروهی زیر عنوان "گروه منشعب از چریکهای فدائی خلق به هواداری از اردوستانه حزب توده و رویزیونیسم و سوسیالیسم شوروی از این سازمان انشعاب کردند. بعد از قیام گروه دیگری از کادرها و اعضاء قدیمی تر فدائیان از موضعی "چپ" از فدائیان جدا شدند که به "گروه اشرف دهقانی" مشهور شده اند. پس از آن در جریان ناتی چون تبریز و ترکمن صحرا نیز بخش های دیگری از اعضاء و هواداران فدائیان به این سازمان پشت کردند و مواضع "چپ" اتخاذ کردند. اینک بخش دیگری از این سازمان، با از اسمت "چپ" دست به انشعاب زده و نام سازمان چریکهای فدائی خلق را نیز برای خود حفظ کرده

است. این قبیل انشعابات و جدائی ها، که خود تبلور و انعکاسی از شرایط بحرانی جامعه ما در درون جنبش می باشد، جای تعجب ندارد و فهمیدنی است. جنبش چپ و کمونیستی ایران در مجموع خود در پاصخوئی به نیازهای مبرم سیاسی و تئوریک و تشکیلاتی انقلاب ناتمام مسالدرمانده است و از انحرافات گوناگون "چپ" و راست رنج میبرد و در ادامه این انحرافات با فشاری میوزد. ترس، کذب و روشنفکری این جنبش و جدائی و عدم پیوندش به طبقه کارگر و زلماظ عینیتی و آشفتنگی تئوریک و مکتبی موجود در جنبش کمونیستی ایران و سر تا سر جهان که از جمله ناتی از خیانت های تاریخی دارودسته خروخرو چندر نوروی و دارودسته تنگ هوا در چین میباشد بعنوان یکی از عوامل ذهنی، و بالآخره جوانی جنبش کمونیستی ما، از جمله عواملی هستند که به این درماندگی کمک کرده و آنرا دیرپا ساخته اند. برخی از گروهها و سازمان های جنبش ما به منبع اصلی ایدئولوژیک - تئوریک خود، یعنی مارکسیسم - لنینیسم خلاق و دستاوردهای تاریخی رفیق ما توتسه دون پشت کرده، راه حل را در مکتب "مستقل" و من درآوردی دیگری جستجو میکنند و نمیخواهند چشمان خود را بروا قعیات باز کنند و از این مشعل فروزان در روشن کردن راه پریچ و خم نکشای انقلاب ایران استفاده برند. وقتی

این منبع و راه نماکنار گذاشته شد، راه برای ساخت و ساز انواع و اقسام تئوری ها و نظرات اپورتونیستی و رویزیونیستی و ترسکیستی و سایر روشن های این مکاتب انحرافی و ضد مارکسیستی باز میشود. آنها شی که حساب خود را از مارکسیسم - لنینیسم جدا کرده اند، از یک انحراف به انحراف دیگر در میغلطند و پاسخ هر خطائی را در خطای دیگری جستجو میکنند. آنها با میدیافتن شاهراه، از این کوره راه به کوره راه دیگر میروند و مشکل میتوانند از این کناکش انحرافی خود را خارج سازند. این تصویر بسرای "سازمان چریکهای فدائی خلق" که از آغاز، بنیاساد مکتبی اش بر پایه "درستی استوار نبوده است بویژه صادق میباشد. خط مشی چریکی شهری همانطور که بیشتر نیز یادآور شده ایم، یک التقاط و انحراف از مارکسیسم - لنینیسم بود و هست. این خط از آنجا شیکه مبنای وحدت سازمانی را که در خط مشی ایدئولوژیک و تئوریک سیاسی، بلکه در وحدت نظر در عملیات چریکی شهری می دانست، از همان آغاز کار تجمع انواع و اقسام گرایشات گوناگونی بود که زیر لوای یک تاکتیک واحد گردآمده بودند و در نتیجه جای هیچ شکی نبود که از درون چنین تجمعی انواع و اقسام انحرافات رنگارنگ سربر آورند. خط مشی چریکی شهری که پایه گذارش را با اید در کوبا و جنگلهای بولیوی جستجو کرد، خود عکس العملی بود

نسبت به ظهور رویزیونیسم مدرن خروشقی. احزاب پیرو خط مشی رویزیونیستی شوروی از عرصه مبارزه انقلابی کنار کشیدند و راه سازش طبقاتی را پیشه کردند. خیانت تاریخی خروشچ و شرکاشن خلا بزرگی را در جنبش بین المللی و جنبش های آزادیبخش جهان بی بوجود آورد و در گرجا حزابی چون حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی کوشیدند تا با ادامه راه لنین و استالین، این فریب را دفع نمایند. لکن در میان نیروهای خرده بورژواشی و روشنفکران انقلابی در بسیاری از کشورها (بویژه آمریکای لاتین) خط مشی شکل گرفت که با طرز رفرمیسم و زشکاری، تئوروی راهنمای مارکسیسم - لنینیسم را نیز کنار گذاشت و با عکس العملی چپ روانه نسبت به این گرایش تاریخی رویزیونیستی، در عمل به بسیاری از بنیادهای فکری کمونیستی نیز پشت کرد. ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم کنار گذاشته شد و به جای این یک ایدئولوژی التقاطی جایگزین شد که به "کاستریسم" یا خط مشی چریکی شهری معروف گشت. مبارزه مسلحانه جدا از توده و تحمیل اراده خود به تاریخ، وجه خاص این خط در عمل بود و از لحاظ ایدئولوژیک نیز مجموعه ای از یک التقاط خرده بورژواشی چپ را نما بیندگی مینمود. این قبیل تجمعات که مبنای محکمی ندارند محکوم به تجزیه و از هم پاشیدگی تاریخی اند و

نیسم و ما رکسیسم،
سانترالیسم (منتهی
خواهد گردید) " (کمو -
نیست) ، نشریه تئو -
ریک - سیا سی
اتحادیه کمونیستهای

ایران - دوره ۲ - شماره ۱ -
بهمن ۵۵ - مقاله " گرایشی
به عقب " . سا زمان چریکهای
فدائی خلق متاسفانه همان
طوریکه بیم آن میرفت در
بستر شکست مشی سیاسی و
سازمانی " خود ، بتدریج به
تثوریزه کردن این انحراف
و شمایل خطرناک و گسترش آن
ادامه دادند و خویششان را به
ورطه هولناکی انداختند ،
شکست مشی چریکی شهری راه
راه برای رشد و انحراف یکی
براست و دیگری به چپ هموار
ساخت که در بهترین حالتش
در " اکثریت " سا زمان و گروه
اشرف دهقانی نمود خود را
یافته است ، این تجزیه در
شرایط عدم وجود یک قطب قوی
مارکسیستی - لنینیستی و
بویژه فقدان حزب طبقه کار -
گر ، قابل فهم و قابل انتظار
بوده است ، از نظرات شهید
مسعودا حمدزاده تا شهید بیژن
جزئی ، جدائی بخش رویزیو -
نیست تا بخش " چپ " ، نوسا -
نات پاندولی از این سیاست
تا آن سیاست ، نمونه های از
این فعل و انفعالات میباشند ،
آنچه اینک در سا زمان فدا -
ثیان رخ داده است ، ادامه
همان روند گذشته و عکس -
العملی است نسبت به گردش
به راست غالب بر سا زمان
چریکهای فدائی خلق ، آنها -
ئی که بر علیه پورتونیسم
راست فدا ثیان برخاسته اند
خود به پورتونیسم چپ مبتلا
میباشند و از یک انحراف به
دامان انحراف دیگری در -

جریان چریکی نیز چنین شد ،
کرنش چریکهای فدائی خلق
به رویزیونیسم و دارودسته
حزب توده در سال ۱۳۵۵ آغاز
شد و این درست همزمان است
با تغییر تا کتیک حزب توده و
علم کردن شعار " سرنگونی
سلطنت " از جانب این ریا -
کاران و با اصطلاح " رادیکال "
شدن آنها و همزمان نیز هست
با شکل گیری نظرات راست -
روانه شهید جزئی . در آغاز
چریکها گفتند که اختلاف میان
چین و شوروی با آنها مربوط
نیست و آنها " مستقل " از این
" قطب ها " هستند و حزب توده را
نیز یک حزب " رفرمیست " نا -
میدند و علامت آمادگی کردند
که چنانکه توده ای ها سلاح
بدست گیرند ، حاضر به همکاری
با آنها هستند ، ما در همان
زمان درباره این گردش و
و گرایش خطرناک نوشتیم :

" یک چنین گرایشی به فقرا -
تلاش در پاک نمودن مرز میان
جنبش نوین کمونیستی سا
خائنین و رویزیونیست ها ،
حاکمی ارجودیک احکراف
عمیق ایدئولوژیک و سیاسی
در سا زمان چریکهای فدائی
خلق و ناشی از درک غیر -
پرولتری ایشان از مبارزه
طبقاتی و انقلاب اجتماعی
است ، چنین تمایلی در آشتی
با رویزیونیسم چنانچه تئو -
ریزه گشته و در بستر شکست مشی
سیاسی و سا زمانی رفقا
تکامل یابد ، بدون تردید به
یک جریان اپورتونیستی
و " میانه " (میان رویزیو -

غلطیده اند .

درباره این انشعاب
چند نکته گفتن دارد ، اول آن
که این انشعاب پیرامون
اصلی ترین انحراف سا زمان
فدائی ثیان ، یعنی تسلیم در
برابری رویزیونیسم و سوسیال
امپریالیسم شوروی و هواداری
از این ابر قدرت امپریالیستی
نبوده است ، آنها ئی که از
" ضرورت پافشاری بر اصول
مارکسیسم - لنینیسم " حرف
میزنند و هر یک حرکت خود را در
" دفاع " از این " اصول " جایز
میدانند ، خوبست به یکی از
مهمترین معیار رهبری
مارکسیسم - لنینیسم ، یعنی
مرز بندی با کسانی که به این
مکتب و طبقه کارگر خیانست
کرده ، اولین کشور سوسیالیستی
جهان را به منجلا ب سرما یه دا -
ری و رویزیونیسم گشایند
توجه کنند و اگر مدعی سی
مارکسیست - لنینیست بسودن
هستند ، قبل از هر چیز ، قبل از
آنکه موضع خود را درباره
" خرده بورژوازی " و امثالهم
روشن گردانند ، حساب خود را
از بورژوازی امپریالیستی
حاکم در شوروی جدا نمایند و
صف خود را از رویزیونیسم و
سوسیال امپریالیسم متمایز
سازند تا بشود بر پایه مبارز
کیستی - لنینیستی وارد
مباحثه شد ، و همین جا نیز باید
افزافه کنیم که آن سا زمان ها -
ئی که از این انشعاب بعنوان
" پیروزی جناح مارکسیست -
لنینیست " (پیکار ۵۸) یاد
مینمایند باید توجه کنند که
مارکسیسم - لنینیسم لباس
گشادی نیست که به تن هر کسی
برود ، شما با این تملق گوئی
ها و پیام های تبریکتان ،
مارکسیسم - لنینیسم را به لوث
میکشید و به آشفته بازاری علمی
دامن میزنید ، اینکه در این
انشعاب حرفی هم درباره اصلی
ترین انحراف سا زمان فدا -
ثیان زده نمی شود ، خود بهترین

گواه این مدعا ست که طرفین
این انشعاب هیچ یک از موا
ضع درستی برخوردار نمی -
باشند و هر دو در این زمین
پایشان سخت میلنگد و از این
رو نمیتوانند پشتیبانی کمو -
نیست های راستین را بر -
انگیزانند ، اینکه ایندو بر -
سر تعریف و مضمون " انترنا -
سیونال پرولتری " با سو -
سیال امپریالیسم شوروی و
بنگاه ایرانی اش ، حزب تو -
ده ، اختلاف دارند ، هیچ ربطی
به اصل مطلب ندارد ، زیرا
سوسیال امپریالیسم شوروی
اصلا جزئی از این " انترنا -
سیونال لیسم " نیست ، که بخوا -
هم با او درباره مضمونش
" اختلاف " داشته باشیم . به
عبارت دیگر حزب سوسیال -
فاشیست حاکم بر شوروی ، خاشن
به طبقه کارگر و دشمن طبقه
کارگر جهانی است و مناسا -
سات میان کمونیست ها بسا
آن ، مانند مناسبات میان
کمونیست ها با احزاب
" جمهوریخواه " و " دموکرات " و
امپریالیسم آمریکا است و
گفتن ندارد که میان ایندو
" انترناسیونال لیسم " وجود
ندارد که بر سر مضمونش حساب
اختلاف باشد .

البته علیرغم اینکه
هیچ یک از این دو درباره
این مساله موضعی درست
ندانند ، لکن تفاوتهای نیز
در میانشان موجود است که
میتوانند سرآغازی بردستیا -
بی بخش " اقلیت " به مواضع
انقلابی در برابر سوسیال
امپریالیسم شوروی باشد ، از
نتایج این انشعاب یکی هم
اینست که بر شتاب بخشش
" اکثریت " بسوی شوروی
و حزب توده افزوده خواهد شد و
این انشعاب علیرغم آنکه به
گرداین مساله صورت نگرفت
لاکن بی ارتباط با آن نیز
نیست و خود بیانگرا اختلافاتی

سلیم در برابر سوسیال
امریکا لیسم شوروی را
در عرصه جهانی به
تسلیم در برابر سیاست
های حزب نوده در داخل
کشور تعمیم داده و این
دورا با هم هماهنگ

موقعیت حساس و بحرانی جنبش
کمونیستی ایران جلب نما -
تیم و هندا ردهیم که اگر هر چه
سریعتر فکری اساسی به حال
این جنبش و معضلات آن صورت
نگیرد، آئینده ای بس نسا -
مطلوب تر از اوضاع فعلی در
انتظار ما خواهد بود، گفته
میشود که بحرانی سیاسی -
تشکیلاتی دامنگیر بسیاری از
گروه ها و سازمان های جنبش
ما گردیده و مجادلات داخلی بر
سرپا سخگونی به مسائل مقا -
بل پای انقلاب و جنبش ما بالا
گرفته است، این هم خوب
است و هم بد، خوبست از این
لحاظ که این بحران، ضعف و
درماندگی انحراف چپ نما -
یا نه! غالب بر جنبش کمسو -
نیستی ایران را درپا سخگو -
ئی به معضلات مقابل پایش،
چه در سیاست و چه در تشکیلات
نشان داده، سؤال مربوط به
راه گشائی از این بن بست را
در فکر بسیاری از کارها و
واعضاء این جنبش مطرح ساخته
و شرایط را برای غلبه بر این
انحراف مساعدتر نموده است،
و بد است از این لحاظ که
تمایل به خارج شدن از یک
انحراف و در غلطیدن بس
انحراف دیگر وسیعا موجود
بوده و در نتیجه قاعد نیست به
این بحران از لحاظ پایه ای
پایان دهد و گر چه ممکن است
برای دوران کوتاهی خود را
فارغ از آن بپندارند، لکن
پس از گذشت مدت نسبتا کو -
تاهی دوباره به همین
سئوالات امروزی باز خواهند
گشت و بر دامن این بحران
خواهند افزود، به این دور
تسلسل با پیدایان داد،
ما بررسی ای -
انشعا برادر شماره های
آئینده "حقیقت" ادامه خواهیم
داد.

کرده اند، "اقلیت" زی -
عنوان "ادامه انقلاب" و
"مبارزه با اپورتونیزم -
راست" بروا قعیات سترگ
موجود چشم بسته، مانند چپ -
نمایان جنبش خودمان قادر
به دیدن تضاد آشکار میان
بخشی از این هیئت حاکمه با
امریکا لیسم آمریکا و ضرورت
حمایت از این مبارزه نیستند
و بر اهمیت جنبش ضد امپریا -
لیستی کنونی چشم می بندند
و علاوه بر آن بر خلعت دمسو -
کراتیک و ضد امپریا لیستی
انقلاب حاضر و تضاد ده های
اساسی جامعه ما پرده می -
پوشا نند و تلویحا تضاد کار و
سرمایه " را تضاد اساسی
جامعه ما وانمود می نمایند،
"اکثریت" سازمان
فدا ثیان در عکس العمل به
انحرافات چپ روانه گذشته
به راست در غلطیده، مضمون
انقلابی حرکت گذشته را به
دست فراموشی سپرده اند و
"اقلیت" نیز در عکس العمل
به این گردش به راست، به
"چپ" در غلطیده از روی مواضع
اصولی پریده اند.

ما طبیعتا در آئینده باید
باز هم درباره مواضع و عملکرد
این دو جناح بنویسیم و بس
تحلیل مشخص از انحرافات
هر یک بپردازیم، اما در اینجا
میخواهیم با استناد به آنچه
در سازمان فدا ثیان رخ داده
و مشا به آن در جنبش کمسو -
نیستی خودمان نیز رایج
است، توجه همه رفقا را به

که بخش "اقلیت" در این زمینه
با "اکثریت" دارند (هر چند
سطحی) میباشند و طبیعتا است
که نسبت به آن نمیتوان بی -
نفاوت ماند و از آن در همین
سطح نیز استقبال نکرد.
در زمینه برخورد بس
مسائل داخلی، اگر "اکثریت"
سازمان حرکتی های فدا ثی خلق
کرفا را نورو نیسم راست به
سکل دساله روی از بورژوا -
ری ملی و خرده بورژوازی
است و مصالح انقلاب را فدای
این قبیل دسند بند می -
نماید، "اقلیت" نیز به سمت
دیگر این اپورتونیزم
در غلطیده، با اتخاذ مواضع
و تحلیل های چپ نمایا به
(از قبیل همان مواضع و
تحلیل ها ثی که متاسفانه در
جنبش کمونیستی ما نیز رایج
است) روی دیگر سکه این
اپورتونیزم و انحراف از
مارکسیسم - لنینیسم را تشکیل
میدهد، اگر "اکثریت" در
زمینه مبارزات ضد امپریا -
لیستی و مسائل انقلاب دمسو -
کراتیک و ضد امپریا لیستی،
گرنش در برابر بورژوازی و
خرده بورژوازی را پیشه کرده،
زیر عنوان حمایت از مبارزات
ضد امپریا لیستی جاری
و حمایت از بخشی از هیئت
حاکمه در این مبارزات،
دنبا له روی از این بخش در
برابر دیگران و یا حتی
جبهه بندی بر اساس تضاد
میان بنی صدور "حزب
جمهوری اسلامی" پیشه کرده و